

دکتر رابرت ای. پترسون، مکاشفه و کتاب مقدس، جلسه ۱۰، مکاشفه ویژه عهد عتیق انواع مکاشفه ویژه عهد جدید

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر رابرت ای. پترسون هستم در تدریسش در مورد مکاشفه و کتاب مقدس. این جلسه دهم، مکاشفه ویژه عهد عتیق، انواع مکاشفه ویژه عهد جدید است.

ما به مطالعه خود در مورد مکاشفه ویژه در عهد عتیق ادامه می‌دهیم و به انواع مختلف آن می‌پردازیم.

ما تجلیات الهی، رؤیاهای و خواب‌ها را بررسی کرده‌ایم و اکنون با اوریم و تمیم کار می‌کنیم که ظاهراً هیچ‌کس دقیقاً نمی‌داند چیست. آنها وسیله‌ای بودند که کاهن اعظم، هنگام پوشیدن ایفود، نوعی جلیقه یا ژاکت کتانی و زره قضاوت، از طریق آنها اراده خدا را در مورد ملت اسرائیل در مواردی که اراده خدا مشخص نبود، فرا می‌گرفت. باز هم، این از مرئی من، رابرت جی. دانسویلر است.

خروج ۲۸، ۳۰، و در سینه‌بند داوری، این دستورالعمل‌ها تا جایی که به لباس کاهن اعظم مربوط می‌شود، و در سینه‌بند داوری، اوریم و تمیم را قرار دهید، و آنها باید هنگام ورود هارون به حضور خداوند، بر قلب او باشند. بنابراین، هارون مرتباً داوری قوم اسرائیل را بر قلب خود در حضور خداوند تحمل خواهد کرد. اعداد یوشع، پسر نون، در مقابل العازار کاهن ایستاده است، که با داوری اوریم در حضور خداوند، برای او، ۲۱، ۲۷، سؤال خواهد کرد.

به فرمان او، آنها بیرون خواهند رفت و به فرمان او، آنها داخل خواهند شد، هم او و هم تمام قوم اسرائیل، با او تمام جماعت. باز هم، این درخواست از خداوند در مواردی است که در ابتدا عدم قطعیتی وجود دارد. اول سموئیل ۶، ۲۸، شائول از خدا اطلاعات می‌خواهد و متأسفانه با جادوگر عیندور مشورت می‌کند، اما در آن زمینه، می‌خوانیم که وقتی شائول از خداوند سوال کرد، خداوند به او پاسخی نداد، نه از طریق خواب، نه از طریق اوریم یا از طریق انبیا.

سپس شائول به خدمتکارانش گفت، زنی را پیدا کنید که واسطه‌ی احضار ارواح برای من باشد، و غیره. مورد بسیار غم‌انگیزی بود. عزرا ۲:۶۳، فرماندار به آنها گفت که تا زمانی که کاهنی برای مشورت با اوریم و تمیم نباشد، نباید از مقدس‌ترین غذا بخورند.

به سختی می‌توانم این را بگویم. نحمیا ۷:۶۵، وای. فرماندار همان است؛ همان چیزی است که در عزرا خواندیم.

انداختن قرعه وسیله‌ای است برای اینکه خداوند تصمیم خود را بین دو گزینه اعلام کند یا وظایفی را تعیین کند. بنابراین، در لاویان ۱۶، روز کفاره، ۸ تا ۱۰ را می‌خوانیم و هارون بر سر دو بز قرعه خواهد انداخت. یک قرعه برای خداوند، قرعه دیگر برای عزازیل.

و آدم بزی را که قرعه برای خداوند بر آن افتاد، تقدیم خواهد کرد و آن را به عنوان قربانی گناه استفاده خواهد کرد. اما بزی که قرعه برای عزازیل بر آن افتاد، زنده در حضور خداوند حاضر خواهد شد تا بر آن کفاره شود و به بیابان نزد عزازیل فرستاده شود. ما همچنین در تواریخ اول، باب ۲۴، قرعه‌کشی‌هایی می‌بینیم.

تقسیمات پسران هارون از این قرار بود. پسران هارون، ناداب، ابیهو، العازار و ایتامار. و همینطور ادامه دارد، آنها را به قید قرعه تقسیم کردند، آیه ۶، آیه ۵، همه یکسان بودند، زیرا هم در میان پسران العازار و هم در میان پسران ایتامار، افسران مقدس و افسران خدا وجود داشتند.

و در ادامه، از قرعه برای تعیین وظایف استفاده می‌شد. استر، آیه ۷ از فصل ۳، در ماه اول، که ماه نisan است، در دوازدهمین سال سلطنت اخشورش، آنها فقیر شدند. یعنی، آنها هر روز در حضور همان قرعه می‌انداختند.

و آنها ماه به ماه آن را می‌اندازند تا ماه دوازدهم که ماه آدار است. مورد دیگر، امثال ۱۶:۳۳، از حاکمیت خداوند حتی در این قلمرو سخن می‌گوید. قرعه در دامن انداخته می‌شود، اما هر تصمیمی توسط خداوند گرفته می‌شود.

وقتی به مکاشفه ویژه عهد جدید می‌رسیم، خواهیم دید که جانشین یهودا، خائن به عیسی، با قرعه انتخاب شد. معجزات اعمال ماوراء طبیعی خدا هستند که شخصیت و اراده او را آشکار می‌کنند. تثنیه ۴:۳۲ و آیات بعدی را در نظر بگیرید.

زیرا اکنون، موسی می‌گوید، از روزهای گذشته، از روزی که خدا انسان را بر روی زمین آفرید، بپرسید و از یک سر آسمان تا سر دیگر بپرسید که آیا چنین چیز بزرگی تا به حال اتفاق افتاده یا شنیده شده است؟ آیا هرگز قومی صدای خدایی را شنیده است که از میان آتش سخن بگوید، همانطور که شما شنیده‌اید و هنوز زنده‌اید؟ یا آیا هرگز خدایی کوشیده است که برود و قومی را از میان قوم دیگری برای خود بگیرد، با آزمایش‌ها، با نشانه‌ها، با شگفتی‌ها، و با جنگ، با دست قدرتمند و بازوی دراز، و با اعمال عظیم وحشت، که همه اینها را خداوند، خدای شما، در مصر پیش چشمان شما انجام داد؟ به شما نشان داده شد تا بدانید که خداوند خداست. غیر از او کسی دیگر نیست. معجزات معمولاً در پنج دوره بحرانی در تاریخ کتاب مقدس جمع می‌شوند.

خروج و فتح سرزمین موعود، خدمت الیاس و الیشع، تبعید، به ویژه مرتبط با دانیال، مسیح و خدمت پیامبران، ببخشید، خدمت مسیح و رسولانش، و پنجمین مورد، آمدن دوم است. بنابراین، خروج و فتح، زمان الیاس و الیشع، تبعید با دانیال، مسیح و وقایع رسولانش، و آمدن دوم. کلام شنیدنی، خدا را به قومش، هم به ملت اسرائیل، می‌شناساند. به طور مشهور در خروج ۱۹، در حالی که موسی به سوی خدا می‌رفت، خداوند او را از کوه‌ها ندا داد و گفت: «به خاندان یعقوب چنین بگو و به قوم اسرائیل بگو، شما خود دیده‌اید که من با مصریان چه کردم و چگونه شما را بر بال‌های عقاب حمل کردم و نزد خود آوردم.»

اکنون، اگر واقعاً از صدای من اطاعت کنید و عهد مرا نگه دارید، شما در میان همه قوم‌ها، گنجینه من خواهید بود. زیرا تمام زمین از آن من است و شما برای من پادشاهی کاهنان و ملتی مقدس خواهید بود. این سخنانی است که باید به قوم اسرائیل بگویید.

بنابراین، موسی آمد و بزرگان قوم را فراخواند و تمام این سخنان را که خداوند به او فرمان داده بود، برای آنها بیان کرد. کلام شنیدنی خدا، مانند آن مورد، برای ملت اسرائیل و برای افراد نازل می‌شود. در اینجا یک مثال جذاب وجود دارد، و آن برای سموئیل جوان است.

سموئیل. حال، سموئیل پسر در حضور الی به خداوند خدمت می‌کرد، و کلام خداوند در آن روزها نادر بود. رؤیای مکرری وجود نداشت.

در زمان الی، که چشمانش کم‌کم تاریک شده بود و نمی‌توانست ببیند، الی در جای خود دراز کشیده بود. چراغ خدا هنوز خاموش نشده بود و سموئیل در معبد خداوند، جایی که صندوق عهد خدا قرار داشت، دراز کشیده بود. «بود. آنگاه خداوند سموئیل را فراخواند و گفت: «اینک حاضر»

و او به سوی الی دوید و گفت: «من اینجا هستم. تو مرا صدا زدی.» اما الی گفت که من تو را صدا نزده‌ام.

دوباره دراز بکش. پس، او رفت و دراز کشید. خداوند دوباره سموئیل را صدا زد.

و سموئیل برخاست و نزد الی رفت و گفت: «اینک من آمده‌ام، زیرا مرا خواندی.» اما او گفت: «من پسر مرا صدا نزده‌ام.» دوباره دراز بکش.

حال، سموئیل هنوز خداوند را نمی‌شناخت و کلام خداوند هنوز بر او آشکار نشده بود. و خداوند بار سوم سموئیل را فراخواند. و او برخاست، نزد عیسی رفت و گفت: «اینک من نزد تو آمده‌ام، زیرا مرا فراخواندی.»

آنگاه عیسی دریافت که خداوند پسر را می‌خواند. بنابراین، عیسی به سموئیل گفت: «برو دراز بکش. اگر تو را بخواند، بگو: ای خداوند، بگو، زیرا بنده‌ات می‌شنود.»

پس سموئیل رفت و در جای خود دراز کشید. و خداوند آمد و در همان حال ایستاد و صدا زد: سموئیل، سموئیل. «و سموئیل گفت: بگو، زیرا بنده‌ات می‌شنود.»

آنگاه خداوند به سموئیل گفت: «اینک من در اسرائیل کاری خواهم کرد که هر که آن را بشنود، گوش‌هایش به لرزه خواهد افتاد. در آن روز، هر آنچه را که درباره‌ی خاندان عیسی گفته‌ام، از ابتدا تا انتها، بر او به انجام خواهم رساند. و به او اعلام می‌کنم که خاندانش را به خاطر گناهی که از طریق کفرگویی پسرانش مرتکب شده بود، تا ابد مجازات خواهم کرد.»

و او به آنها دست نزد، دست باز نداشت. بنابراین، به خاندان الی قسم می‌خورم که گناه خاندان الی با قربانی یا هدیه کفاره نخواهد شد. سموئیل در سوگ نشست.

سپس درهای خانه خداوند را باز کرد. سموئیل ترسید که به الی در مورد رؤیا بگوید. اما الی سموئیل را صدا زد. «و گفت: سموئیل، پسر، او گفت: اینک حاضر»

عیسی گفت: «خداوند چه چیزی به تو گفت؟ آن را از من پنهان مکن. خداوند با تو چنین و بیشتر از این عمل کند. و اگر چیزی از آنچه به تو گفته است را پنهان کن.»

پس سموئیل همه چیز را به او گفت و چیزی از او پنهان نکرد. و او گفت: «خداوند است. بگذار هر چه صلاح می‌داند انجام دهد.»

سموئیل بزرگ می‌شد و خداوند با او بود و او نمی‌گذاشت هیچ یک از سخنانش به زمین بیفتد. بنابراین کلام شنیدنی خدا گاهی به کل قوم و گاهی به یک فرد اسرائیلی، در این مورد، به سموئیل جوان در آن واقعه قابل توجه، می‌رسد. اعلام نبوی وسیله‌ای رایج برای سخن گفتن خدا با قومش است.

به فصل اول کتاب اشعیا توجه کنید، زمانی که کلام خداوند به اشعیا می‌رسد و همچنین آینده را پیشگویی می‌کند. نقش اصلی پیامبر این بود که کلام را به قوم خدا بگوید. اما گاهی اوقات، پیامبران دوباره آینده را پیشگویی می‌کردند، و همیشه فقط آنچه را که خدا به آنها داده بود، می‌گفتند.

ما این را به زیبایی در اشعیا ۹، آیات شش و هفت می‌بینیم. برای ما، فرزندی به دنیا آمده، پسری بخشیده شده و حکومت بر دوش او خواهد بود. او مشاور شگفت‌انگیز، خدای قادر، پدر جاودانی، شاهزاده صلح و افزایش حکومت و صلح خود نامیده خواهد شد.

بر تخت داوود و بر پادشاهی او پایانی نخواهد بود تا آن را با عدالت و راستی، از اکنون تا ابد، استوار و پابرجا سازد. غیرت خداوند لشکرها این را به انجام خواهد رساند. حال، این اعلام نبوی عمدتاً کلامی است.

گاهی اوقات شامل نوشتن نیز می‌شود. ما این را در مزمو ۱۹، آیات هفت تا ۱۴ می‌بینیم، که خوب است زیرا مزمو ۱۹، آیات یک تا شش را می‌خوانیم. اکنون، بخشی را می‌خوانیم که در مورد کلام خداوند صحبت می‌کند.

ما وحی خدا را در آفرینش دیدیم؛ آسمان‌ها جلال خدا را اعلام کردند و غیره. و اکنون می‌بینیم که کلام خداوند از شریعت خداوند کامل است و جان را زنده می‌کند. شهادت خداوند مطمئن است و ساده‌لوح را حکیم می‌سازد.

فرائض خداوند راست است و دل را شاد می‌کند. فرمان خداوند پاک است و چشم را روشن می‌سازد. ترس خداوند پاک است و تا ابد پایدار.

احکام خداوند کاملاً درست و عادلانه هستند. آنها از طلا، حتی طلای ناب، شیرین‌تر و از عسل و قطرات شانه عسل شیرین‌ترند. علاوه بر این، همانطور که بنده‌ات به تو هشدار داد، با حفظ آنها پاداش بزرگی حاصل می‌شود.

ما در پرونده ارمیا در میان مخالفت‌های شدید، نوشته‌ای را می‌بینیم، ارمیا ۳۶. در سال چهارم یهوایقیم، پسر یوشیا، پادشاه یهودا، این کلام از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد: طوماری بردار و تمام سخنانی را که از روزی که از ایام یوشیا تا امروز با تو سخن گفتم، علیه اسرائیل و یهودا و همه ملت‌ها به تو گفته‌ام، بر آن بنویس.

شاید خاندان یهودا تمام بلایی را که می‌خواهم بر سرشان بیاورم بشنوند تا هر یک از آنها از راه بد خود بازگردند و من گناه و خطایشان را ببخشم. و ارمیا کاتبی به نام باروک استخدام می‌کند. و پادشاه خشمگین شد و طومارها را سوزاند.

در همان فصل از ارمیا ۲۷:۳۶ تا ۳۰، اکنون می‌خوانیم، پس از آنکه پادشاه طومار را با سخنانی که باروک به دیکته ارمیا نوشته بود، سوزاند، کلام خداوند بر ارمیا نازل شد. طوماری دیگر بردار و تمام سخنان پیشین را که در طومار اول بود و یهوایقیم، پادشاه یهودا، سوزانده بود، بر آن بنویس. و در مورد یهوایقیم، پادشاه یهودا بگو، خداوند چنین می‌گوید، تو این طومار را سوزانده و گفتی، چرا در آن نوشتی که پادشاه بابل مطمئناً، خواهد آمد و این سرزمین را ویران خواهد کرد و انسان و حیوان را از آن منقطع خواهد ساخت؟ بنابراین خداوند می‌گوید که یهوایقیم، پادشاه یهودا، کسی را نخواهد داشت که بر تخت داوود بنشیند و جسد او در گرمای روز و یخبندان شب انداخته خواهد شد.

هورا! بنابراین، خلاصه خود را با جزئیاتی از انواع مختلف مکاشفه ویژه خدا در عهد عتیق به پایان می‌رسانیم. تجلیات الهی، رؤیاهای خواب‌ها، اوریم و تمیم، قرعه‌کشی، معجزات، کلام سمعی و اظهارات نبوی، که بیشتر آنها سمعی هستند. کلامی، و برخی از آنها کتبی.

ویژگی‌های وحی ویژه عهد عتیق. اولین ویژگی این وحی، تنوع آن است. نقل قول: مجموعه وحی عهد عتیق شامل برخوردهای شخصی، ارائه اطلاعات، تفسیر وقایع و کارهای عظیم خداوند است.

صفحه ۳۷. وحی، ۱۹۸۰، IVP، نقل قول نزدیک. ویلیام ای. دراینس، *مضامین الهیات عهد عتیق*. شخصی است.

حتی در مقدمه‌مان، این ادعای انتقادی را دیدیم که وحی شخصی است و نه کلامی. و این صرفاً یک مغالطه است. وحی هم کلامی است و هم شخصی.

اگر خدا بخواهد، می‌تواند خود را در قالب کلمات آشکار کند، و این دقیقاً همان کاری است که او انتخاب کرده است. وحی شخصی است. خدا خود را آشکار می‌کند تا مردم را به سوی رابطه‌ای نجات‌بخش با خود هدایت کند.

یعنی، وحی در درجه اول هدفی رهایی‌بخش و عهدگرایانه دارد. پیدایش ۷:۱۷، خروج ۲۰، آیات ۲ و ۶. وحی فیض‌آمیز است. خداوند ابتکار عمل را به دست می‌گیرد تا خود را بشناساند.

پیدایش ۱۲: ۱ تا ۳، خدا بر ابراهیم ظاهر می‌شود و شرایط عهد را به او می‌دهد. همانطور که دیده‌ایم، در پیدایش ۱۵: ۱ و در خروج ۳: ۱ تا ۶ نیز همینطور است. وحی کتاب مقدس تاریخی است، زیرا خدا خود را در وقایع تاریخی آشکار می‌کند.

این امر خطی است، زیرا این رویدادها با خلقت آغاز می‌شوند و به سوی آسمان جدید و زمین جدید حرکت می‌کنند. این امر پیش‌رونده است، زیرا خداوند خود را نه یکباره، بلکه به تدریج در طول زمان آشکار می‌کند. بنابراین، وحی بر پایه خود بنا می‌شود.

هر وحی بعدی، وحی قبلی را تکمیل و متمم می‌کند. هیچ تناقضی در کار نیست، بلکه فقط توضیحات و تکمیلاتی در کار است. وحی گزاره‌ای است.

این شامل تفسیر الهام‌بخش از اعمال خداوند است. این تفسیر از طریق بیان حقیقت و کتاب مقدس حاصل می‌شود. وحی، پاسخی را می‌طلبد. ایمان، توبه، اعتراف، اطاعت، تلاش‌های تبلیغی، دعا و عبادت تنها چند نمونه از این موارد هستند.

این به طور خلاصه یک وحی عهد عتیق است. وحی عهد جدید نیز انواع مختلفی دارد که مهمترین آنها تجسم خداوند و کتاب مقدس ما است. وحی عهد جدید شامل تمام انواع ذکر شده در عهد عتیق است، به جز اوریم و تمیم، همانطور که انتظار داریم از آنجایی که عیسی نقش کاهن اعظم را انجام داده است، عبرانیان ۴:۱۴ تا این موارد شامل تجلیات الهی، رؤیاهای، رویاهای، قرعه‌کشی، معجزات، کلام قابل شنیدن و اعلامیه ۵:۱۰. نبوی، از جمله کتاب مقدس و شهادت روح القدس است.

علاوه بر این، وحی عهد جدید بر شخص و کار مسیح متمرکز است. من فکر می‌کنم برای ما مهم است که نمونه‌ای از هر یک از این انواع وحی را ببینیم. تجلیات الهی

این اتفاقی است که برای پولس در جاده دمشق می‌افتد. او تجلی مسیح جلال‌یافته را می‌بیند، اما شائول، اعمال رسولان ۹:۱، که هنوز تهدید و قتل علیه شاگردان خداوند را دم می‌زد، نزد کاهن اعظم رفت و از او نامه‌هایی به کنیسه‌های دمشق خواست تا اگر کسی را در راه، چه مرد و چه زن، پیدا کرد، آنها را در بند به اورشلیم بیاورد. حال، همانطور که در راه خود می‌رفت، به دمشق نزدیک شد و ناگهان نوری از آسمان در اطرافش

درخشید و در حالی که به زمین می‌افتاد، صدایی شنید که به او می‌گفت: شائول، شائول، چرا مرا آزار می‌دهی؟ اینها سخنان تکان‌دهنده‌ای هستند.

او می‌داند که خداست، اما بیش از این هویت خود را نمی‌شناسد. او گفت، تو کیستی، خداوندا؟ و او گفت، من عیسی هستم، همان که تو او را آزار می‌دهی. هرگز سخنان انقلابی تری گفته نشد.

اما برخیز و وارد شهر شو، و به تو گفته خواهد شد که چه باید بکنی. این یک تجلی الهی است، یک تجلی الهی در عهد جدید. خدا خود را در عهد جدید، مشابه عهد عتیق، در عهد عتیق، در رؤیای آشکار می‌کند.

اعمال رسولان ۱۰، ۹ تا ۱۶، رؤیایی است که پطرس دید. اینگونه است که خدا رفتن پطرس به خانه کرنلیوس و به اشتراک گذاشتن انجیل با غیریهودیان را طراحی می‌کند. روز بعد، هنگامی که آنها در سفر خود بودند و به شهر نزدیک می‌شدند، پطرس حدود ساعت ششم برای دعا به پشت بام خانه رفت.

و گرسنه شد و خواست چیزی بخورد. اما در حالی که آنها آن را آماده می‌کردند، او در حالت خلسه فرو رفت و دید که آسمان گشوده شده و چیزی مانند یک سفره بزرگ که از چهار گوشه‌اش به زمین آویزان است، نازل می‌شود. در آن انواع حیوانات و خزندگان و پرندگان هوا بودند. و صدایی آمد که می‌گفت: «خداوندا، من هرگز چیزی ناپاک یا حرام نخورده‌ام».

بار دیگر صدا آمد. آنچه را که خدا پاک کرده است، حرام مخوان. این سه بار اتفاق افتاد و آن چیز فوراً به آسمان بالا برده شد.

البته، این یک خلسه یا رؤیایی است که پطرس دید و خداوند از آن برای نشان دادن به او استفاده کرد تا در بردن انجیل به خانه کرنلیوس تردید نکند تا او و دوستانش بتوانند درباره خداوند عیسی - قرعه‌کشی - بیاموزند. ما قبلاً به این موضوع اشاره کردیم.

ما این را در اعمال رسولان ۱:۲۳ و آیات بعدی می‌بینیم. آنها گفتند که باید یهودا را جایگزین کنند. عهد عتیق می‌گوید: بگذارید دیگری مقام او را به دست گیرد.

بنابراین، آیه ۲۰، ۲۱، یکی از مردانی که در تمام مدتی که خداوند عیسی در میان ما آمد و شد می‌کرد، از زمان تعمید یحیی تا روزی که عیسی از نزد ما بالا برده شد، همراه ما بود. یکی از اینها باید با ما شاهد رستاخیز او شود. آنها یوسف برسبا را که به او عدالت و متیاس نیز می‌گفتند، معرفی کردند.

و آنها دعا کردند و گفتند: «ای خداوند، تو که از دل همه آگاه هستی، نشان بده کدام یک از این دو نفر را برگزیده‌ای تا در این خدمت و رسالتی که یهودا از آن روی گرداند و به جای خود رفت، جای گیرند.» و برای آنها قرعه انداختند و قرعه به نام متیاس افتاد و او با یازده رسول شمرده شد. این وسیله‌ای بود که آنها برای تعیین اراده خداوند از آن استفاده می‌کردند.

اینطور نیست که به ما دستور داده نشده باشد که از آن وسیله پیروی کنیم، و این یک امر هنجاری نیست. همانطور که برخی از قسمت‌های دیگر در اعمال رسولان و اتفاقاتی که در کتاب اعمال رسولان رخ می‌دهد آنها واقعاً اتفاق افتاده‌اند و خدا از آنها استفاده کرده و کار کرده است، اما این بدان معنا نیست که همه چیز در آنجا برای ما هنجاری است. رویاها.

یوسف خیلی گیج شده بود. مریم باردار است، نامزد اوست. او مریم را می‌شناسد، یا حداقل فکر می‌کرد که می‌شناسد.

چطور ممکن است؟ او او را باردار نکرد. آه، متی ۱:۱۹:۱۸. حال تولد عیسی مسیح به این شکل اتفاق افتاد.

وقتی مادرش، مریم، قبل از ازدواجشان به یوسف نامزد شده بود، معلوم شد که از روح القدس باردار است و شوهرش، یوسف، که مردی درستکار بود و نمی‌خواست او را رسوا کند، تصمیم گرفت بی‌سروصدا از او جدا شود. اما وقتی در این امور تأمل می‌کرد، فرشته‌ی خواب گفت: «ای یوسف، پسر داوود، از گرفتن همسرت مریم مترس، زیرا آنچه در رحم اوست از روح القدس است. او پسر او خواهد بود و نام او را عیسی خواهی گذاشت، زیرا او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد داد.»

معجزات. یوحنا ۹: ۱ تا ۷. هنگامی که عیسی از جایی می‌گذشت، مردی را دید که از بدو تولد نابینا بود و شاگردانش از او پرسیدند: «ای استاد، چه کسی گناه کرده است؟ این مرد یا والدینش؟ او نابینا به دنیا آمده است.» عیسی پاسخ داد که نه این مرد و نه والدینش گناه کرده‌اند، بلکه تا اعمال خدا در او نمایان شود.

ما باید تا روز است، در کارهای کسی که آن را برای من فرستاده است، کار کنیم. شب فرا می‌رسد که در آن هیچ‌کس نمی‌تواند کار کند. تا زمانی که من در جهان هستم، نور جهان هستم.

چون این را گفت، آب دهان بر زمین انداخت و با آب دهان گل درست کرد. سپس گل را به چشمان مرد مالید و به او گفت: «برو در حوض سیلوحا، که به معنی فرستاده شده است، خود را بشوی.» پس رفت و شست و بینا برگشت.

همسایه‌ها و کسانی که قبلاً او را به عنوان گدا دیده بودند، می‌پرسیدند که آیا این همان مردی نیست که قبلاً می‌نشست و گدایی می‌کرد. بعضی‌ها می‌گفتند خودش است. بعضی‌ها می‌گفتند نه، اما او مثل اوست. او مدام می‌گفت، من آن مرد هستم.

این به نظرم خیلی خنده‌دار میاد. این یه معجزه‌ست که هویت عیسی رو آشکار می‌کنه. در یوحنا فصل ۲۰، عیسی میگه، یوحنا میگه عیسی معجزات زیاد دیگه‌ای هم در حضور شاگردانش انجام داد که در این کتاب نوشته نشده.

اما اینها نوشته شده است تا ایمان آورید که عیسی، مسیح و پسر خداست و با ایمان آوردن، به نام او حیات جاودانی بیابید. یوحنا ۳۰:۲۰ و ۳۱. گفتار شنیدنی.

ما در فصل ۱۲ انجیل یوحنا به این موضوع اشاره جذابی داریم. آموزه گناه یوحنا در این انجیل چهارم، در درجه اول به عنوان کفر در پرتو سخنان و اعمال عظیم عیسی به تصویر کشیده شده است. خدای من، در فصل هفتم، پلیس معبد برای دستگیری عیسی فرستاده می‌شود.

آنها دست خالی برگشتند و رهبران یهودی دیوانه شدند. مشکل شما چیست؟ چرا آنها را ندارید؟ آنها گفتند هرگز هیچ مردی مثل این مرد صحبت نکرده است. آیا شما خودتان جزو اراذل و اوباش هستید؟ اوه، به خدا قسم، مشکل شما چیست؟ آنها، آنها خیلی با او مخالفند.

و به همین ترتیب، معجزات او بسیار چشمگیر است. در فصل ۱۱، عیسی ایلعازر را برای مردگان زنده می‌کند. در فصل ۱۲، مقامات یهودی حکم اعدام ایلعازر را صادر کردند زیرا نمی‌توانستند آن را تحمل کنند.

او یک مدافع زنده و پویا از این واقعیت است که عیسی پسر خداست که مردگان را زنده می‌کند، نفس نفس می‌زند، غیرقابل قبول است. ما نمی‌توانیم چنین چیزی داشته باشیم. ما گفتار قابل شنیدن را می‌بینیم و این نوعی اشاره طنزآمیز در فصل‌های ۲۷:۱۲ تا ۲۹ است.

«عیسی گفت: «اکنون جان من در رنج است.» و چه بگویم؟ آیا بگویم: پدر، مرا از این ساعت نجات بده؟» اما برای همین منظور، به این ساعت رسیده‌ام». پدر، نام خود را جلال بده

سپس صدایی از آسمان آمد و گفت، من آن را جلال داده‌ام و دوباره آن را جلال خواهم داد. منظورم این است که خدا از آسمان صحبت می‌کند. مطمئناً مردم این را باور خواهند کرد، درست است؟ نه

جمعیتی که آنجا ایستاده بودند و این را شنیدند، گفتند که رعد بوده است. دیگران گفتند که فرشته‌ای با او سخن گفته است. عیسی پاسخ داد: این صدا به خاطر شما آمده است، نه به خاطر من.

اکنون داوری بر این جهان است. اکنون فرمانروای این جهان بیرون رانده شده است. و من، هنگامی که از زمین بلند کرده شوم، همه مردم را به سوی خود خواهم کشید.

این متمرکزترین بخش از تصاویر مربوط به کفاره عیسی در کتاب یوحنا، انجیل یوحنا، است. اما خدا، وقتی از آسمان صحبت می‌کند، آنها نمی‌توانند آن را درک کنند. آنها فکر می‌کنند فرشته‌ای صحبت کرده یا شاید رعد. و برق بوده است.

آنها منحرف و در گناهان خود مرده هستند و به روح القدس نیاز دارند تا آنها را زنده کند. او، ما اعلامیه نبوی را کاملاً درست در اعمال رسولان فصل دوم با خطبه شگفت‌انگیز پنطیکاست پطرس، اعمال رسولان تا ۲۶، می‌یابیم. من فقط کمی از آن را انجام می‌دهم ۱۴:۲:

خیلی شگفت‌انگیز است. اما پطرس، در حالی که با آن یازده نفر ایستاده بود، صدای خود را بلند کرد و خطاب به ایشان گفت: ای مردان یهودیه و همه ساکنان اورشلیم، این را بدانید و به سخنان من گوش فرا دهید.

زیرا این مردم مست نیستند. همانطور که شما حدس می‌زنید، آنها به زبان‌های دیگر صحبت می‌کردند، زیرا روح القدس آنها و زائرانی از سراسر امپراتوری روم را قادر می‌ساخت. همه آنها اعمال شگفت‌انگیز خدا را که به زبان خودشان بازگو می‌شد، شنیدند.

این افراد، آنطور که شما فکر می‌کنید، مست نیستند، زیرا تازه ساعت سوم روز است. اما این چیزی است که از طریق یوئیل نبی بیان شده است. و او این مفهوم را نقل می‌کند که خدا روح خود را بر تمام بشر ریخته و غیره.

و سپس پطرس به مرگ و به ویژه رستاخیز عیسی مسیح اعتراف می‌کند. این اعلامیه نبوی شامل کتاب مقدس، و شهادت روح القدس است. ما اشارات جذابی به این موضوع را در سخنرانی‌های وداع انجیل یوحنا می‌یابیم. جایی که به نظر می‌رسد عیسی در حال پیشگویی اعطای عهد جدید است.

یوحنا ۱۴:۲۵ و ۲۶. این چیزهایی که وقتی هنوز با شما هستم به شما گفتم، عیسی به شاگردانش می‌گوید، اما یاور، یعنی روح القدس که پدر او را به نام من می‌فرستد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و هر آنچه را که به شما گفته‌ام به یاد شما خواهد آورد. در ۱۵، نزدیک به پایان، ۲۶ می‌خوانیم، اما وقتی یاور که از جانب پدر نزد شما می‌فرستم بیاید، روح راستی که از پدر صادر می‌شود، او درباره من شهادت خواهد داد.

و شما نیز شهادت خواهید داد زیرا از ابتدا با من بوده‌اید. و سپس ۱۶، این را نیز درمی‌یابیم. چیزهای زیادی برای گفتن به شما دارم، اما اکنون نمی‌توانید آنها را تحمل کنید.

یوحنا ۱۳: ۱۶، وقتی روح راستی بیاید، شما را به تمام حقیقت هدایت خواهد کرد، زیرا شما از جانب او سخن نخواهید گفت، بلکه هر چه او بشنود، او خواهد گفت. و او از امور آینده به شما خبر خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد، زیرا آنچه را که از آن من است خواهد گرفت و به شما اعلام خواهد کرد.

هر آنچه پدر از آن من است. از این رو، گفتم که او آنچه را که از آن من است، خواهد گرفت و به شما اعلام خواهد کرد. علاوه بر این، وحی عهد جدید بر شخص و کار مسیح متمرکز است.

در سخنرانی بعدی‌مان، قبل از اینکه به سراغ کتاب مقدس برویم، به وحی ویژه خدا در عهد جدید، در تجسم خداوند عیسی مسیح، خواهیم پرداخت.

این سخنرانی دکتر رابرت ای. پترسون در تدریس خود در مورد مکاشفه و کتاب مقدس است. این جلسه دهم، مکاشفه ویژه عهد عتیق، انواع مکاشفه ویژه عهد جدید است.